

اگر چه در کتاب های خدای عزوجل با بخوانی و محفوظ
تو باشی چون بدن عمل نکند ترا آن بجز شرمندگی نباشد
علمی که تعلیمش در سینه بود در سینه بود هر چه در سینه
صراط کتابخانه ای سود آن به که کن خانه در سینه
علم باید تا عمل کنی بود ورنه بی دانش عمل نمی
از من بگوی عالم تقوی را زور عمل نکوشی نادانستی
بار درخت علم ندانم بجز علم با علم از عمل نکند شاخ
یا ایها الذین آمنوا له تقولون مالا تفعلون
کبر مقتا عند الله ان تقولوا مالا تفعلون
میباش عمره بعم عمل خون بدین سبب ربار کاه عزت
بر که عمل مغرور است از فیض محبوب است **بیت**
گرچه داری طاعتی از پیشین و رکن کاری زین پیشین در دل
یک سینه و که هر چه از پیشین باشی هم خوش که اطمینان

مومن

مؤمن باید که میان خوف رجا باشد بدان ای طالب هو شسته
یکی از ادب طریقت بر طالب اینست که اگر یکی را در
نامشروع و عادت ببرد او را از ان منع کند هر که امر معروف
نهی منکر از واجبات اسلام است و تکوین از وی
بمن ضروری رسد سپین حتی کار خود میکند **بیت**
اگر تیغ عالم بجنبه زجای نبردگی تا نخواستند جزای
ما که جلد هم خشم کم بود نه ستم چون نکلدم تو با
ز شادی در همه عالم نلنم آریک لفظ خودم تو با
نخلدنی ادا و تشریحاری نلندنی شستنی تازی
بدانکه هیچ کاری بی امر خدای عزوجل کفایت نشود
یکی از ادب طریقت خشم خود را فرو بردن است
اگر کسی او را رنجاند باید که در چشم نیاید و معذرت خواهد
فوزید چنین معامله بسیار است در معنی ملکات الفیض